

## بررسی ویژگیهای سبکی زبان زنانه در سطح نحوی در رمانهای «جزیره سرگردانی» و «ساربان سرگردان» اثر سیمین دانشور بر مبنای رویکرد رایین لیکاف

رویا رحیمی، لطیفه سلامت باویل\*، احمد خیالی خطیبی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سال هفدهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۶، صص ۲۳۰-۲۰۷

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.17.7334

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** برای تعیین ویژگیهای نحوی سبک یک نویسنده باید میزان خروج وی از نحو معیار و پایه تبیین شود. نحو معیار، شکل عادی قرار گرفتن اجزای جمله در هر زبان است که خنثی و بدون برجستگی است. بنابراین از طریق آن به نکته‌ای درباره ذهن و اندیشه نویسنده نمیتوان پی برد؛ اما اگر جایگاه یکی از اجزای جمله نسبت به صورت طبیعی آن، نحو معیار، تغییر کند، از آن در جایگاه نقطه‌ای برای تأمل سبک‌شناسیک میتوان بهره برد؛ زیرا بر مبنای نظریه تقارن سبک و اندیشه، این دو موضوع همواره در کنار هم قرار دارند و رابطه‌ای دوسویه میان آنها برقرار است. ساختار صرف و نحو یکی از قلمروهایی است که سبک و شیوه بیان هر اثر را مشخص میکند و بر انسجام اثر تأثیر دارد. ساختار جمله‌ها و چیدمان واژه‌ها در هر اثر نماینده سبک دستوری و نحوی آن است که در پایان به شناخت و تبیین سبک نویسنده آن می‌انجامد. با توجه به این هدف، برخی ساختارهای نحوی نشان‌دار بر مبنای نظریه DSL بصورت تطبیقی تحلیل شده تا ضمن نشان دادن جزئیاتی از هنر زنانه‌نگاری این نویسنده در زمینه الگوها و ساختارهای نحوی، به شناخت شگردهای آنها در بازنمایی جایگاه اجتماعی زنان از طریق ساختارهای نحوی پی برده شود. در میان ساختارهای نشان‌دار نحوی، بیشتر بر «جایگاهی اجزای جمله» و «تغییرات آرایش نحوی» تمرکز شده است. رایین لیکاف بیان میکند اگر واژگان را کنار بگذاریم و به سراغ نحو برویم، درمییابیم بخش زیادی از گفتار زنان به لحاظ «نحوی» نامتعارف است.

**روش مطالعه:** پژوهش حاضر به شیوه تحلیلی-تطبیقی تلاش میکند تا با تکیه بر رویکرد رایین لیکاف نشان دهد که سیمین دانشور بعنوان نویسنده‌ای که درباره زنان مینویسد، چگونه ساختارهای دستوری و نحوی نشاندار مختلف و متنوع را با ملاحظه بافت زبانی و موقعیتی در خدمت القای معنی و پیام موردنظر خویش قرار داده است؟

**یافته‌های تحقیق:** یافته‌های پژوهش نشان میدهد که این نویسنده با خودآگاهی، برخی ساختارهای نحوی را بطور معناداری در خدمت القای معنی و جلب توجه مخاطب قرار داده‌اند و فرضیه‌های مدنظر رایین لیکاف در زمینه تأثیر جایگاه اجتماعی زنان بر الگوهای گفتاری آنها را تأیید کرده‌اند. زبان فارسی برخلاف سایر زبانها از جمله انگلیسی، ظرفیت بالقوه بزرگی در زمینه الگوهای نحوی در اختیار کاربران این زبان در حوزه نظم و نثر قرار میدهد.

**نتیجه‌گیری:** زبان شخصیت‌های داستانی زن در دو رمان «جزیره سرگردانی» و «ساربان سرگردان» با پیش-بینیهای مدنظر رایین لیکاف در سطح نحو زبان مطابقت و همخوانی دارد.

تاریخ دریافت: ۲۷ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۲۸ تیر ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۴ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۴۰۲

#### کلمات کلیدی:

زبان‌شناسی جنسیت، زبان زنانه، رویکرد رایین لیکاف، سیمین دانشور.

\* نویسنده مسئول:

l-salamat@iauctb.ac.ir

۷۷۶۳۷۰۶۰ (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating the stylistic features of female language at the syntactic level in the novels "Jazireh Sargandari" and "Sarban Sargandan" by Simin Daneshvar based on Robin Likaf's approach

R. Rahimi, L. Salamat Bawil\*, A. Kheyali Khatibi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 17 June 2023

Reviewed: 19 July 2023

Revised: 05 August 2023

Accepted: 20 September 2023

KEYWORDS

gender linguistics,  
feminine language,  
The approach of Robin Likaf,  
Simin Daneshvar.

\*Corresponding Author

✉ [l-salamat@iauctb.ac.ir](mailto:l-salamat@iauctb.ac.ir)

☎ (+98 21) 77637060

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** To determine the syntactic characteristics of an author's style, the extent of his departure from standard and basic syntax should be explained. The standard syntax is the normal form of the placement of sentence components in any language, which is neutral and without prominence. Therefore, it is not possible to understand anything about the author's mind and thoughts through it; But if the position of one of the components of the sentence changes compared to its natural form, the standard syntax, it can be used as a point for stylistic reflection; Because based on the theory of symmetry of style and thought, these two issues are always together and there is a two-way relationship between them. Simple structure and syntax is one of the domains that determine the style and manner of expression of each work and has an effect on the coherence of the work. The structure of sentences and the arrangement of words in each work represent its grammatical and syntactic style, which in the end leads to the recognition and explanation of the author's style. According to this goal, some marked syntactic constructions based on the theory of DSL have been comparatively analyzed in order to show details of this writer's art of feminism in the field of patterns and syntactic structures, to know their methods in representing the social status of women through syntactic structures. be taken away Among the syntactically marked constructions, more focus has been placed on "transposition of sentence components" and "changes in syntactic arrangement". Robin Likoff states that if we leave the words aside and go to the syntax, we find that a large part of women's speech is "syntactically" unconventional.

**METHODOLOGY:** The present study tries to use the analytical-adaptive approach to show how Simin Daneshvar, as a writer who writes about women, uses different and diverse grammatical and syntactic constructions of markers by considering the linguistic and situational context in Has the induction service placed its desired meaning and message?

**FINDINGS:** The research findings show that this author, with self-awareness, has meaningfully used some syntactic structures in the service of inducing meaning and attracting the audience's attention, and the hypotheses considered by Robin Likoff in the field of the influence of women's social position on patterns They have confirmed their speech. Unlike other languages, including English, the Persian language provides a large potential capacity in the field of syntactic patterns to the users of this language in the field of prose and prose.

**CONCLUSION:** The language of the fictional female characters in the two novels "Wandering Island" and "Sarban Wanderer" is in line with the predictions of Robin Likoff at the level of language syntax.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.17.7334](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.17.7334)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 17	 0	 20

## مقدمه

«رابین لیکاف» تفاوت‌های زبانی بین زن و مرد را شاهدهی برای موقعیت فرودست زنان میدانند. وی تفاوت‌های زبانی را از دو بعد «استفاده زنان از زبان» و «طبیعت جنسیتی زبان»، مورد بررسی قرار میدهد. وی در بُعد اول با برشمردن برخی تفاوت‌های اینگونه نتیجه میگیرد که صحبت زنان منحصر به موضوعاتی سطحی، غیرجدی، مرتبط با علاقه شخصی خودشان و بیان یک عکس‌العمل عاطفی و شخصی درمورد موضوعی مشخص است. سبک صحبت زنان بگونه‌ای است که به مخاطب این مطلب را القا میکند که وی درمورد گفته‌های خود نامطمئن، مردد و فاقد اعتمادبنفس است. در نظر «لیکاف» این تفاوت‌های زبانی نشان‌دهنده نقص طبیعی زنان نیست، بلکه ریشه در نحوه تربیت جامعه دارد. در بُعد دوم پس از ذکر شواهد متعدد اینگونه نتیجه میگیرد که مردان با کاری که در جامعه انجام میدهند و زنان با مردانی که با آنها در ارتباط هستند معرفی میشوند. وی برای رفع فرودستی زنان در زبان پیشنهاد میدهد که زنان مسئولیت و قدرت را با استفاده از استراتژیهای زبانی مردانه یا با زبانی خنثی مسئولیت و قدرت به دست آورند و دیگر اینکه زبانشناسان تفاوت‌های زبانی را مشخص نموده و آسپهایی را که این تفاوت‌ها وارد مینمایند ارزیابی کرده و بخشهای قابل تغییر را جدا سازند. تفاوت‌های زبانی در نظر «لیکاف» نشانه بیماری است و نه علت آن. به عقیده او و همفکرانش اصلاح زبانی از اساس بی‌فایده است و تا زمانی که جامعه جنسیت‌زده است، معانی جنسیت‌زده دوباره ظاهر خواهند شد. (نک: لیکاف، ۱۳۹۹: ۱۰ - ۱۵)

## طبقه‌بندی مؤلفه‌های «نحوی» در زبان شخصیت‌های داستانی زن

از دیدگاه لیکاف در زبان انگلیسی قاعده‌ای نحوی نداریم که فقط زنان بتوانند از آن استفاده کنند؛ اما یک قاعده وجود دارد که زنان بیشتر از مردان از آن در موقعیتهای مکالمه استفاده میکنند. موقعیت اجتماعی، جایگاه اجتماعی گوینده و مخاطب در قبال یکدیگر و تأثیری که یک طرف میکوشد بر طرف دیگر بگذارد، این همان قاعده طرح سوالات تأییدخواهانه است. (لیکاف، ۱۳۹۹: ۷۵). تأییدخواهی، چه در کاربرد و چه در شکل نحوی (در زبان انگلیسی) حدوسط میان بیان صریح و پرسش بسته (آری/خیر) است: به قاطعیت اولی نیست، اما در مقایسه با دومی از اعتمادبنفس بیشتری حکایت میکند. برای همین میتوان از تأییدخواهی در برخی موقعیتهای استفاده کرد: تأییدخواهی نه در موقعیتهایی که کار می‌رود که در آنها بیان صریح بجا و درست است، و نه در موقعیتهایی که در آنها معمولاً از پرسشهای بسته استفاده میشود، بلکه در موقعیتهایی بینابینی که کار می‌رود. (همان: ۷۵).

موضوع دیگری که به این کاربرد خاص قواعد نحوی مربوط است، تفاوت «گسترده» و قابل توجهی است که در الگوهای لحنی زنان به چشم می‌خورد. ممکن است چیزی که در ظاهر پاسخی خبری به یک پرسش است و همینطور هم به کار می‌رود با آهنگی رو به بالا بیان شود که خاص پرسشهای آری / خیر است و حالت تردیدآمیز مخصوصی ایجاد میکند. تأثیری که میگذارد چنین است که انگار گوینده در پی تأییدطلبی است. در حالیکه کسی جز خودش اطلاعات موردنظر را ندارد. (لیکاف، ۱۳۹۹: ۷۸-۷۹).

با توجه به این امور میتوان به پیوند میان پرسشهای تأییدخواهانه و دستورها و سایر درخواستهای تأییدخواهانه پی برد. در همه این موارد گوینده به اندازه جملات خبری یا مثبت ساده تعهد ندارد. درضمن هرچه درخواست مرکبتر باشد، به گفتار خاص زنان نزدیکتر و از گفتار خاص مردان دورتر خواهد بود. (لیکاف، ۱۳۹۹: ۸۱).

هر فرد هنگام ارتباط با دیگران «از ساختارهای گفتاری استفاده میکند که بیانگر موقعیت اجتماعی اوست. (العبد، ۲۰۰۵: ۲۸) و میتواند بخشی از ارتباط اجتماعی قلمداد شود. ارتباط مؤدبانه گفتاری تابع نظام ارزشها و باورهای

هر جامعه است. جامعه‌شناسان زبان، نظریه‌های متعددی درباره‌ی شرایط و چگونگی ساختارهای مؤدبانه‌ی زبان ارائه داده‌اند. برخی از آنها جنسیت پیامرسان را در میزان استفاده از چنین ساختاری مؤثر میدانند. (السوسی، ۲۰۱۷: ۱۷). بنا به گفته‌ی سایپر، انسان‌شناس مشهور، نوعی جبرگرایی جنسیتی در نظام زبانی حاکم است. «نظامهای فکری تحت تأثیر زبان اجتماع است بطوری که زبان حاکم در جامعه، اندیشه‌ی ما را در مورد واقعیت شکل میدهد (Sapir، 1931: 578). بافت اجتماعی و آموزشهای فرهنگی رایج در جامعه سبب میشود که زنان گونه‌ی مؤدبانه‌تری از زبان را مورد استفاده قرار دهند. یکی از مصداقهای ادب در زبان زنان این است که زنان غالباً در درخواستهای خود از شکل غیرمستقیم «عباراتی است که معمولاً به شکل سؤال مورد استفاده قرار میگیرد». (التفتازانی، ۲۰۰۱: ۴۱۹).

### بحث و بررسی

#### پارامترهای شاخص «نحوی» در رمان «جزیره‌ی سرگردانی» و «ساربان سرگردان»

به عقیده‌ی زبان‌شناسان تفاوت‌های زبانی زنان و مردان نه تنها در نوع و میزان استفاده از واژگان مختلف، بلکه در محور نحو و نوع به‌کارگیری جمله‌ها نیز قابل مشاهده است. در ادامه به بررسی برخی از این تفاوتها خواهیم پرداخت.

### کاربرد زبان معیار

زبان‌شناسان زبان مردانه را قدرتمندانه و آمرانه و زبان زنانه را حمایت‌طلبانه و مشارکت‌گرا توصیف میکنند. آنها معتقدند مردان در گروه‌هایی قرار دارند که بصورت سلسله‌مراتبی سازمان‌یافته است و رئیس یا رهبر گروه برای اثبات قدرت و کنترلش بر گروه، از فرمهای قوی دستوری استفاده میکند.

در رمان جزیره‌ی سرگردانی زبان معیار از طرف زبانی رعایت میشود که تحصیل کرده هستند. افرادی که از نظر فکری از جامعه سنتی فاصله گرفته‌اند نیز به زبان معیار پایبندند. هستی به دلیل اینکه میخواهد ازدواج کند تن به سنتی بودن میدهد، اما آثار روشنفکری در کلام وی دیده میشود و در نتیجه زبان معیار را بیشتر استفاده میکند. این شخصیتها در قیاس با شخصیتهایی قرار میگیرند که روشنفکر نیستند. جغرافیا نیز بشدت در این امر مؤثر است، در برخی کلام شخصیتها، با جغرافیای متفاوت، عامیانه سخن گفتن و عدم پایبندی به زبان معیار بوضوح دیده میشود.

در این داستان از منظر رعایت ادب، مشاهده میکنیم که مردان مؤدبتر از زنان هستند. در نتیجه شاید نتوان نظریات لیکاف را در این بخش بصورت صددرصد تأیید کرد. شرایط مختلف است که در این داستان زبان معیار را تعیین میکند و نه صرفاً جنسیت. در این رمان نویسنده در متن و مکالمات بین شخصیتها بیشتر زبان معیار را به خدمت گرفته است. با در نظر گرفتن تعداد کم جملات عامیانه با بسامد صدوسی و چهار بار میتوان گفت ۸۰ درصد داستان زبان معیار دارد. از طرفی چون مردان کمتر از زنان زبان عامیانه دارند (سی‌ونه بار) میتوان به این نتیجه رسید که از زبان معیار بیشتر استفاده کرده‌اند و این متغیر زبانی مؤید نظر لیکاف نمیشود. بیشتر اشاره شد که از نظر لیکاف مردان بیشتر از جملات عامیانه بهره میگیرند.

- هستی: «میدانی که از عرضه کردن خودم بیزارم.» (دانشور، ۱۳۹۷: ۹)

- لعل بانو گفت: «بسیار واضح است که کلمه موردنظر چیست؟ اما خجالت میکشم بر زبان بیاورم.» (همان، ۲۰۷)

- تورانجان: «دیشب که تو رفتی آمد. سجده کردم و زمین را بوسیدم.» (همان، ۲۶۹)

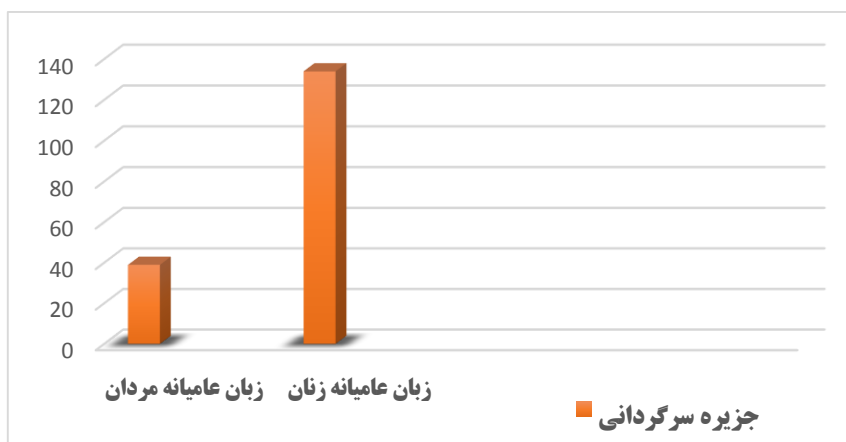
- خانم فرخی: «زنها با لباس بدن نما تردد میکنند.» (همان، ۲۸۲)
- تورانجان: «من هم گاهی احساس میکنم بیمار روانیم.» (همان، ۲۸۷)
- «ساریان سرگردان» در این مبحث مانند «جزیره سرگردانی» است، اما شخصیتی مانند مامان عشی که علاقه‌مند به مد است و زنی ظاهرگرا را به تصویر میکشد، در ساریان سرگردان به تغییر جهان‌بینی میرسد و حتی در این داستان وی با لفظ و کلمه خانومی خطاب میشود، عفت کلام دارد، رعایت شرایط را میکند و احترام بسیار زیادی نسبت به سایرین دارد و در نتیجه زبان وی از عامیانه بودن فاصله میگیرد؛ در حالیکه در جزیره سرگردانی از دشوآه‌های بسیار استفاده میکرد. مادر بزرگ هستی نیز در «جزیره سرگردانی» زبان معیار را رعایت نمیکرد؛ اما در این داستان با زبانی متفاوت از سوی او و نزدیک شدنش به زبان معیار مواجهیم. در نتیجه در ساریان سرگردان حتی زبانی که قشر تحصیل کرده یا دارای موقعیت اجتماعی و جغرافیایی بالا نیستند نیز به زبان معیار نزدیکتر میشوند.
- مگر هستی نمیگفت: «توران جان برای گریز از تنها ماندن بود که عروس سابقش را به خانه راه داده بود؟ مگر نمیگفت: توران جان حتی روزها نمیتواند تنها ماندن را بیشتر از یک ساعت تاب بیاورد؟» (دانشور، ۱:۱۳۸۰)
- هستی جلوی استاد مانی ایستاد: «استاد مثل پدر دوستان دارم، اما همه استادان ما نه راهی نشان داده‌اند نه چاهی.» (همان، ۶۵)
- فرخنده: «گفتم مرا با تو هم اتاقی کنند. نمیشد. ما هردو انفرادی هستیم.» (همان، ۷۴)
- سیمین: «به او قول دادم تهران که رفتیم با فرودگاه تماس میگیرم و دست را پس میگیرم.» (همان، ۲۹۱)

### کاربرد زبان عامیانه

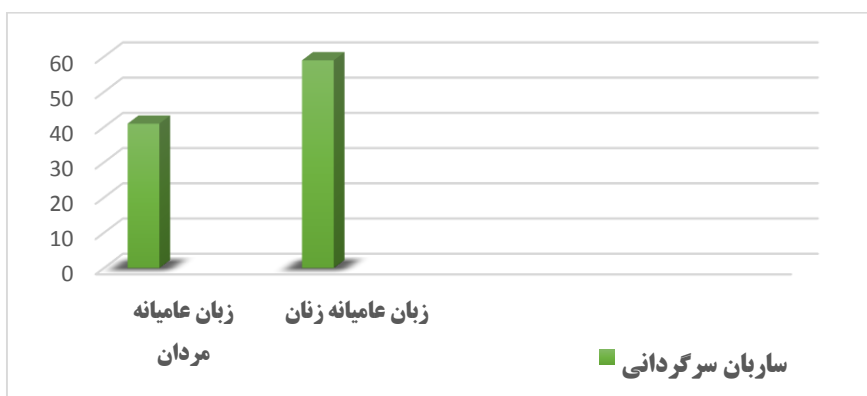
زبان‌شناسان اجتماعی معتقدند زنان به خاطر موقعیت اجتماعی پایینتر خود در جامعه، بیشتر از شکل‌های صحیحتر زبان استفاده میکنند، اما مردان به دنبال ساخت واژه‌های جدید و خارج از زبان معیار هستند. از نظر لیکاف، زنان کمتر از زبان عامیانه بهره میگیرند. زبان مورد استفاده زنان، زبان معیار و محافظه‌کارانه است. زنان در تلاشند مؤدب سخن بگویند. شخصیت‌هایی که در جزیره سرگردانی، از زبان عامیانه بهره میگیرند:

- ۱- هستی: بین دو شیوه زندگی مدرن و سنتی سرگردان است.
- ۲- مامان عشی: از نظر روحی آسیب‌دیده است، تحصیلات بالایی ندارد و هویت خود را فراموش کرده است و در رنگ و لعاب زندگی اشرافی و غریزه غوطه‌ور است و آرامش درونی ندارد. در بیشتر موقعیتها محافظه‌کارانه صحبت میکند اما گاهی نیز عامیانه سخن میگوید.
- ۳- تورانجان: دبیر ادبیات است و تحصیلات دانشگاهی دارد اما زخم‌خورده مرگ پسرش میباشد و عروس خود را مسبب این رویداد تلخ و بی‌سرپرستی نوه‌هایش میدانند و برای تسلی خاطر خود، گاه از زبان محافظه‌کارانه فاصله میگیرد و جملات عامیانه به کار میبرد.
- ۴- سیمین: استاد هستی است و با او روابط دوستانه دارد و جز موارد اندک، مؤدبانه سخن میگوید.
- ۵- گنجور: گاراژدار است و تحصیلات بالایی ندارد و در محفل دوستان و آشنایان لحنی محافظه‌کارانه دارد چون در جمع مستشاران و تحصیلکردگان، تمایل به حفظ ظاهر دارد اما در درون خانواده عامیانه سخن میگوید.
- ۶- خانم فرخی در خانواده‌ای سنتی با موقعیت اقتصادی مطلوب زندگی میکند و تحصیلاتی ندارد.

- ۷- زنانی که از نظر جغرافیایی فرودست هستند و در حاشیه شهر زندگی میکنند و در وضعیت نابسامان اقتصادی به سر می‌برند مثل حاجی معصومه، ننه مارشال، فاطمه سبزواری، زبانی عامیانه دارند.
- در این داستان از کلدوسوسی و چهار جمله عامیانه‌ای که به کار رفته است، سهم زنان نودپنج بار، معادل ۷۰ درصد و سهم مردان سی و نه بار، معادل ۲۹ درصد می‌باشد. با توجه به آمار فوق می‌توان ادعان داشت که در این داستان، نظر لیکاف مبنی بر اینکه مردان بیشتر از زبان عامیانه استفاده میکنند، مصداق نمی‌یابد.
- زن موفرفری: «از بچگی به ما نگفتند زن باید لاغر باشد. هی خوردیم و هی چاق شدیم پلو، آش رشته و سیب‌زمینی سرخ کرده و روغن کرمانشاهی...» (دانشور، ۱۳۹۷: ۱۳)
- هستی: «معذرت می‌خواهم، همه‌تان را ترساندم دست‌وپا چلفتیم دیگر...» (همان، ۲۰)
- مادر بزرگ گفت: «دختر چقدر چرند گفتی، خودت را از حنظل تلختر نشان دادی. آخر چرا؟ به مادرت نظر خوشی ندارم، اما خواستگار همه چیز تمامی برایت پیدا کرده.» (همان، ۴۵)
- مارشال ننه: «میرنجد ها، نمیدانید چه بدلعاب است.» (همان، ۵۶)
- تورانجان: «مراد، مادر جان هستی رفته خانه مادر نمک به حرامش خرجمالی، و من تنهای تنهایم.» (همان، ۱۰۵)
- حاجی معصومه: «اگر به دستم بیفتی جرت میدهم ناکس.» (همان، ۱۰۷)
- عشرت: «اگر بیکاری و ویرت گرفته فحش بدهی بگرد تا بگردیم.» (همان، ۱۱۰)
- مهرماه: «دختر خاله، او که نمیدانست تو این تیارتها را داده‌ای، به علاوه خودت هی پرسیدی.» (همان، ۱۵۳)
- فاطمه سبزواری: «نومزدت از حاجی تریاک بخرد. شور و شین میکند. از خیم دیوانه شده.» (همان، ۲۱۵)
- در رمان «ساربان سرگردان» صد جمله عامیانه به کار رفته است که از این میان سهم زنان پنجاه و نه بار (۵۹ درصد) و سهم مردان چهل و یک بار (۴۱ درصد) می‌باشد که با یافته‌های لیکاف مبنی بر استفاده بیشتر مردان از زبان عامیانه، در تقابل قرار می‌گیرد.
- قدسی: «از کجا میدانی که سرش به آخورهای دیگر بند نبوده؟» (دانشور، ۱۳۸۰: ۱)
- تورانجان: «اگر به من دست بزنی نفرینت میکنم. سق من سیاه است.» (همان، ۴۶)
- سکینه: «ده دوازده تایی هستند. اما آنها از دماغ فیل افتاده‌اند. با غریبه‌ها اخت نمیشوند، فدایت شوم.» (همان، ۵۹)
- ساربان: «راه همین که مو میرم آفتو که بالا بیاد به جده سنگ و کلوخ میرسیم.» (همان، ۱۰۸)
- هستی: «یک تار موی کاسب با معرفت می‌ارزد به صد موی یک وزیر مجیزگوی سر ادوارد مفرنگی.» (همان، ۱۴۱)
- مامان عشی: «یک آن به فکرت رسید با این حماقتها چه بلاها سر همه‌مان آوردی؟ بس که جوش تو را خوردم، شیرم خشک شد.» (همان، ۱۵۲)



نمودار: بسامد کاربرد زبان عامیانه در بافت متنی رمان «جزیره سرگردانی»



نمودار: بسامد کاربرد زبان عامیانه در بافت متنی رمان «ساربان سرگردانی»

### کاربرد زبان محافظه کارانه

در «جزیره سرگردانی» زنان با تحصیلات بالا -سیمین، هستی، مادر بزرگ- در اغلب موقعیتهای، زبان محافظه کارانه دارند. زنان با موقعیت اجتماعی پایین و تحصیلات پایین که از نظر شغلی فرودست هستند، زبان محافظه کارانه ندارند. شخصیتی مانند هستی نیز به دلیل عدم داشتن اعتمادبنفس و ترس از دست دادن است که زبان محافظه کارانه را انتخاب میکنند. در نتیجه حالات روحی شخصیتهاست که بر زبان آنان تأثیر میگذارد نه جنسیت. در این داستان دویست و دوازده جمله محافظه کارانه وجود دارد که از این میان، زنان با بسامد صدوده بار (۵۱ درصد) از مردان با بسامد صدودو (۴۸ درصد) بار پیشتر هستند. هر چند در این نتیجه آماری، اختلاف کمی وجود دارد، اما با این دیدگاه لیکاف همسوست که معتقد است زنان به علت عدم اعتمادبنفس در مکالمه و برقراری روابط شخصی و اجتماعی سعی در اثبات خود دارند و از شکل مؤدبانه کلام استفاده میکنند. نکته جالب این پژوهش این است که در بین مردان سلیم (هشتاد بار) و در بین زنان هستی (هشتاد و دو بار) بیشترین کاربرد جملات محافظه کارانه را داشته اند. کلام سلیم از بسیاری از زنان داستان مؤدبانه تر است.

- تورانجان: «آقای فرخی، بیایید اینجا روی نیمکت بنشینید تا عکسهای پسر و بچگیهای هستی را نشانانتان بدهم.» (همان، ۲۸)

- سیمین: «دانشجوی دانشگاه ما که نیستید؟ هستید؟» (همان، ۵۱)

- هستی: «ممکن است نگه دارید خرید کوچکی بکنم.» (همان، ۷۳)

- «فرخی و عیدیم را میگیرم.» (همان، ۱۹۰)

- منشی: «بفرمایید بنشینند، فعلاً جلسه دارند.» (همان، ۲۴۴)

در داستان «ساربان سرگردان» که قسمت دوم «جزیره سرگردانی» است، زبان شخصیتها مؤدبانه‌تر است. بخصوص در کلام دو شخصیت اصلی یعنی هستی و سلیم گفتمانهای محافظه‌کارانه بیشتر مشاهده میکنیم. تورانجان و مامان عشی که در این رمان (خانمی) خطاب میشود، زبان مؤدبانه‌تری دارند و شاید نتیجه این نکته باشد که در این رمان شخصیتها در تقابل یکدیگر قرار نگرفته‌اند و تنشهای «جزیره سرگردانی» در «ساربان سرگردان» کمتر نمود دارد. بیشتر مکالمات دور از ادب، مربوط به بازجوها و پدر مراد در مواجهه با هستی است. در کل رمان، صدو هفتاد و سه جمله محافظه‌کارانه به کار رفته است که با وجود زنانه بودن قلم نویسنده، مردان هشتاد و هشت بار معادل ۵۱ درصد و زنان هشتاد و پنج بار معادل ۴۹ درصد از این متغیر زبانی استفاده کرده‌اند که خلاف نظر لیکاف منتج میشود. از نظر ایشان زنان بیشتر از کلام مؤدبانه استفاده میکنند و در بیان مکنونات فکری خود آزادانه عمل نمیکنند.

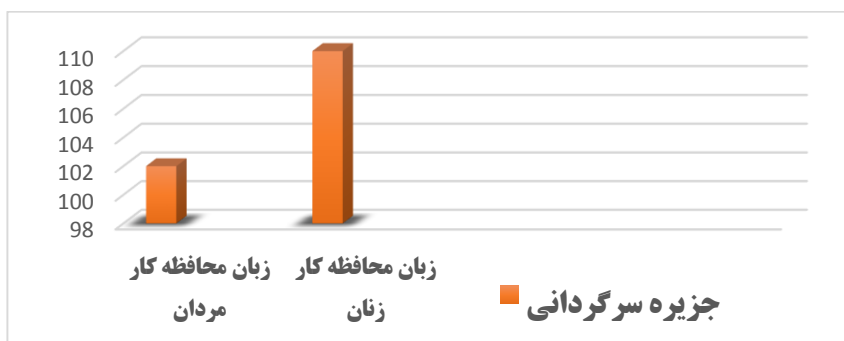
- دایه: «بس که دعا کردم، خدا شفایتان داد.» (همان، ۲۵)

- فرخنده: «از دید آنها که رد شدیم و از تیررس آنها، به شما میگویم.» (همان، ۳۲)

- نیکو: «آقا اجازه میدهید تحفه‌ها را باز کنیم؟» (همان، ۳۷)

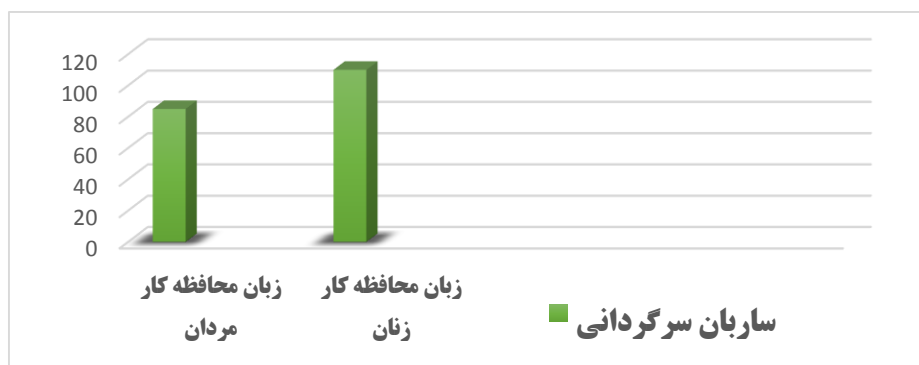
- لعل: «لطفاً عقدنامه را هم با خود بیاورید.» (همان، ۱۲۲)

- هستی: «من به پول شما دست نزده‌ام. آن را قبول کنید.» (همان، ۱۵۱)



نمودار: بسامد کاربرد زبان محافظه‌کارانه در بافت متنی رمان «جزیره سرگردانی»





نمودار: بسامد کاربرد زبان محافظه کارانه در بافت متنی رمان «ساریان سرگردانی»

قاطعیت و انقیاد

### جملات ناتمام

ناتمام گذاشتن جمله‌ها می‌تواند نشانه‌ای از تردید باشد - تردید در گفتن و نگفتن - و نویسنده می‌تواند به این وسیله تردیدهای درونی شخصیتها را به سطح زبانی وارد کند. زنان در موارد متعدد، جملات خود را ناتمام رها میکنند و تعداد این نوع جمله‌ها در زبان شخصیتهای مرد بسیار اندک است. شخصیتهای زن و مرد در موقعیتهای اجتماعی مختلف هستند و تمامی مردها غالباً جمله‌ها را به اتمام میرسانند مگر در مواردی که در حالت خجالت‌زدگی، عشق یا سرافکندگی مالی باشند. از نظر لیکاف، زنها بیشتر کلام منقطع و جملات ناتمام دارند، زیرا زنان، معمولاً در بیان آنچه باید بر زبان بیاورند، اعتمادبنفس کافی ندارند.

در این داستان دانشور، با توجه به مرد بودن و سرگردان بودن شخصیتها در جای جای داستان، با جملات منقطع مواجهیم. شاید شرایط زنان در وضعیتهای اسفبار، آنان را بیشتر به سمت وسوی زبانی سرشار از جملات منقطع سوق میدهد. در رمان جزیره سرگردانی از مجموع صد و چهل و شش جمله ناتمام، مردان با هفتاد و نه بار معادل ۵۴ درصد که نسبت به زنان با شصت و هفت بار معادل ۴۶ درصد، پیشتاز هستند. از دیدگاه لیکاف زنان بیشتر جملات خود را بصورت نیمه رها میکنند، در حالیکه در این داستان مردان بیشتر از ادامه کلام خود امتناع ورزیده‌اند و نتایج حاصله، از این منظر با نظریه لیکاف منافات دارد.

- هستی: «به جلال آل احمد بی حد علاقه‌مند بودم و هستم. مردی بود که طیف داشت، چطور بگویم هاله.....» (دانشور، ۱۳۸۰: ۳۲)

- حاجی معصومه: «به روح پدرم که سید اولاد پیغمبر بود قسم.....» (همان، ۱۱۰)

- مامان عشی گفت که حاضر است پیرزن هرچه بخواهد درباره پرسش بگوید.....» (همان، ۲۵۴)

دانشور در رمان «ساریان سرگردان» در مجموع صد و بیست و پنج بار، برای زنان هفتاد و سه بار معادل ۵۸ درصد و برای مردان پنجاه و دو بار معادل ۴۲ درصد کاربرد جملات ناتمام را در نظر گرفته است. بیشتر جملات ناتمامی که زنان به کار برده‌اند براساس خویش‌تنداری و عدم بیان واقعیات بصورت کامل، در برابر جنس مخالف میباشد.

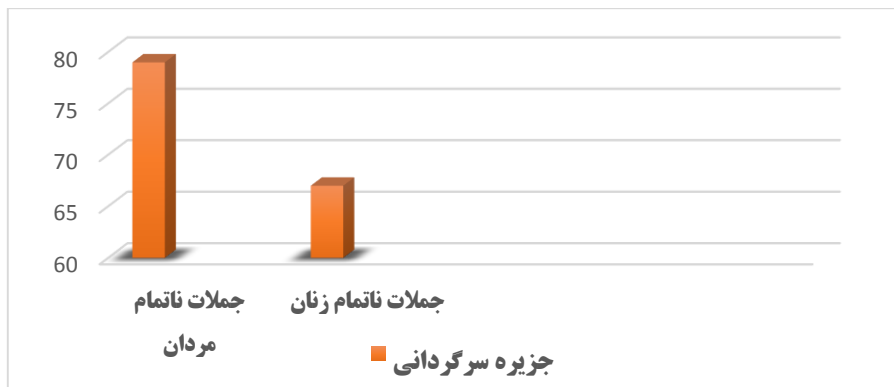
- هستی گفت: «اما ما که تازه عروسی کرده‌ایم. من.....» (دانشور، ۱۳۸۰: ۱۲)

- حاجی معصومه: «پس آقا هادی را گرفته‌اند..... سی چه؟ (همان، ۳۵)

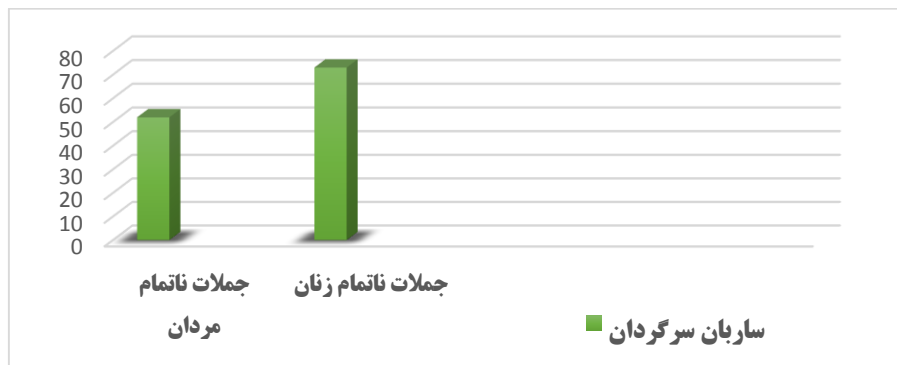
- تورانجان: «روز قیامت جلوت را میگیرم. سر پل صراط.....» (همان، ۴۶)

- زن: «در باز شد. خبر مرگت بیا برو توال. همانجا هم آب.....» (همان، ۵۳)

- هستی: «ده هزار و پانصد و نود و نه سال.....» (همان، ۶۸)
- لعل: «واقعاً می‌خواهی به سلیم .....چرا؟» (همان، ۱۲۲)
- هستی: «به مراد می‌گویم پول شما را پس بدهد و حالا.....» (همان، ۱۵۱)
- هستی: «بگو مادر از زجرهایم ..... دلت را خالی کن.» (همان، ۱۵۲)
- هستی: «شما همیشه به داد ما رسیده‌اید. شرمسارم. اما.....» (همان، ۱۶۳)
- هستی: «نمیدانند مارکسیسم را انتخاب کنند یا سرمایه داری را.....» (همان، ۱۷۱)
- زن گفت: امیدوار است بتواند..... (همان، ۲۲۹)



نمودار: بسامد کاربرد جملات ناتمام در بافت متنی رمان «جزیره سرگردانی»

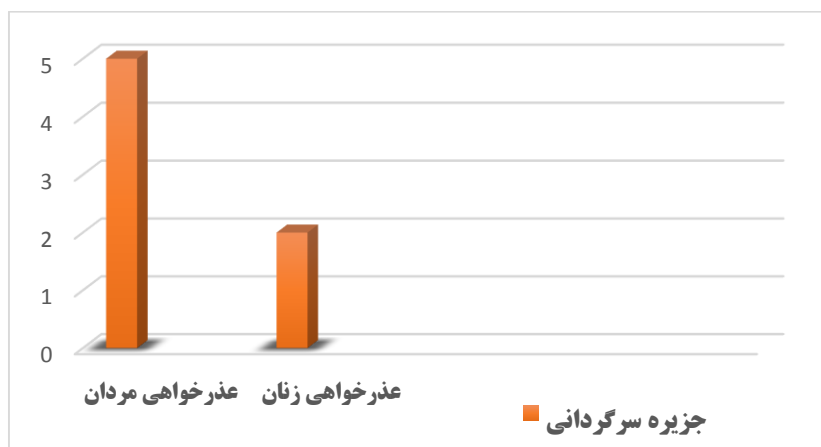


نمودار: بسامد کاربرد جملات ناتمام در بافت متنی رمان «ساربان سرگردان»

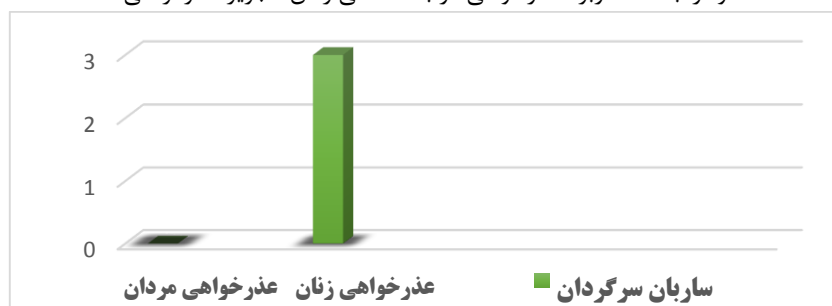
### عذرخواهیها

- در رمان «جزیره سرگردانی» عذرخواهی بصورت بسیار محدودی به کار رفته است. از مجموع هفت جمله حاوی عذرخواهی، دو مورد مربوط به زنان معادل ۲۸ درصد و پنج مورد مربوط به مردان معادل ۷۲ درصد.
- هستی گفت: «معذرت می‌خواهم، همه‌تان را ترساندم.» (دانشور، ۱۳۹۷: ۲۰)
  - هستی: «بخشید که تکیه کلامها و سبک سخنرانی شما را دزدیدم.» (همان، ۳۲)

- مامان عشی: «خاله قزی، ببخشید که دست خالی اومدم.» (دانشور، ۱۳۸۰: ۴۴)
- هستی: «خواهرشوهر محبوب من. مرا ببخش.» (همان، ۶۶)
- هستی: «ببخشید در برابر آن همه تاج گل، محقرترین گل است.» (همان، ۲۲۲)



نمودار: بسامد کاربرد عذرخواهی در بافت متنی رمان «جزیره سرگردانی»



نمودار: بسامد کاربرد عذرخواهی در بافت متنی رمان «ساربان سرگردان»

### فرمهای سؤالی

روشن است که استفاده زیاد از جملات سؤالی را میتوان تا حدودی نشانه تردید و عدم قطعیت دانست. این موضوع بویژه در مواردی مطرح است که قصد گوینده سؤال نیست و وی میتواند برای بیان منظور خود از جمله خبری استفاده کند، اما فرم سؤالی را انتخاب میکند. بررسیها نشان داده که زنان بیشتر از مردان در کلام خود از عبارات پرسشی استفاده میکنند. برخی افراد مانند لیکاف این موضوع را ناشی از عدم قطعیت و تزلزل در گفتار زنان میدانند.

### پرسشهای ضمیمه‌ای

پرسشهای ضمیمه‌ای عباراتی کوتاه در پایان جمله‌های خبری هستند که آن را سؤالی میکنند، مانند «اینطور نیست؟»، «مگر نه؟» و.. زبانشناسان پرسشهای ضمیمه‌ای را از کلیشه‌های زبانی زنان میدانند. لیکاف معتقد است در حوزهٔ نحو، کاربرد سؤالات ضمیمه بیشتر در زبان زنان متداول است و از خصوصیات زبان زنانه محسوب میشود و زمانی سؤالات ضمیمه مورد استفاده قرار میگیرد که شخص برآستی آنچه ارائه میکند اطمینان ندارد یا به دلیل تردید و عدم قطعیت، محافظه‌کارانه گفتگو میکند.

در جزیرهٔ سرگردانی از مجموع سی‌وسه جملهٔ ضمیمه‌ای زنان با بیست‌ودو بار معادل ۶۷ درصد از مردان با یازده بار معادل ۳۴ درصد، پیش‌تاز هستند.

- مامان عشی: «میبیری، خوب برس میزنی، اطو میکنی و زود می‌آوری. فهمیدی؟» (دانشور، ۱۳۹۷: ۱۱)

- هستی پرسید: «تو بیژنی. مگه نه؟» (همان، ۱۱۳)

- فخری: «خانم نوریان، امروز حالتان خوب است. مگر نه؟» (همان، ۲۹۵)

- تورانجان: «به داداشت یا آقای نویدی بگو هرروز عصر بعد از مدرسه بیاوردت اینجا. باشه؟» (همان، ۲۹۸)

در رمان «ساربان سرگردان» در مجموع هفده جمله سهم زنان از جملات ضمیمه‌ای نه بار معادل ۵۳ درصد و سهم مردان هشت بار معادل ۴۷ درصد است که با وجود اختلاف اندک آماری، نظریهٔ لیکاف، مبنی بر استفاده بیشتر زنان از پرسشهای ضمیمه‌ای، اثبات میگردد.

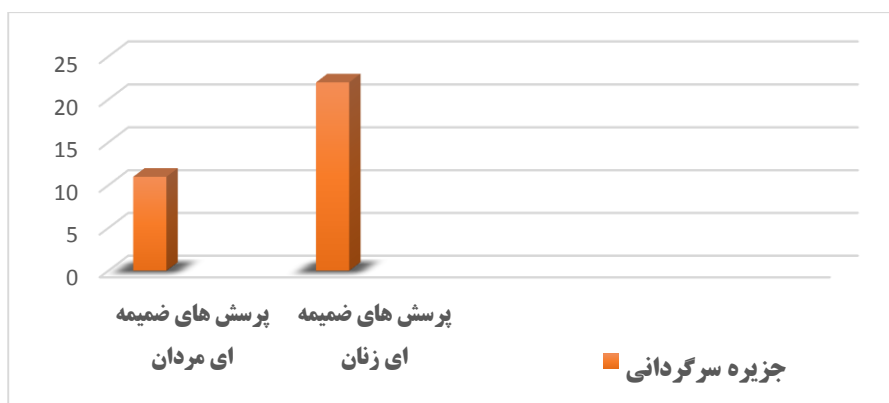
- هستی: «خوب به هر جهت راه روزیشان را پیدا کرده بودند. من چرا نکنم؟» (دانشور، ۱۳۸۰: ۷۴)

- هستی: «بیچاره مراد. مراد دیگر چرا؟» (همان، ۱۲۶)

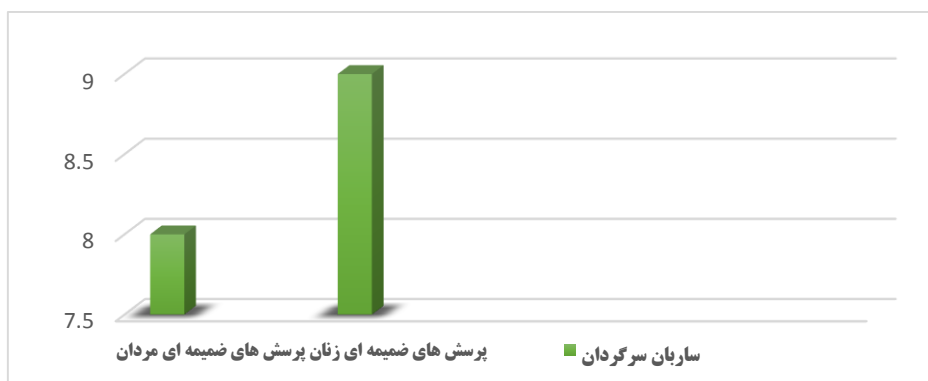
- لعل: «باید یک ضیافت به افتخار تو بدهیم و همهٔ کسانت را دعوت کنیم. نه ادی؟» (همان، ۱۳۸)

- هستی: «مادر موهایت را رنگ کرده‌ای، کار فرهاد آرایشگر معروفت که نیست؟» (همان، ۱۴۷)

- هستی: «طوطک، آن زن امید داشت که روزگار بهتری در پیش است. راست میگفت؟» (همان، ۳۰۵)



نمودار: بسامد کاربرد پرسشهای ضمیمه‌ای در بافت متنی رمان «جزیرهٔ سرگردانی»



نمودار: بسامد کاربرد پرسشهای ضمیمه‌ای در بافت متنی رمان «ساربان سرگردانی»

### پرسشهای عادی

در رمان «جزیره سرگردانی»، در کلام شخصیت‌های زن این داستان به دلیل عدم قطعیت و عدم اعتمادبنفس به کارگیری جملات پرسشی بیشتر است. از مجموع چهارصد و هفتاد جمله پرسشی عادی، زنان ۲۷۷ بار معادل ۵۹ درصد و مردان ۱۹۳ بار معادل ۴۱ درصد از جملات پرسشی بهره گرفته‌اند که نظریه لیکاف و دیگر زبان‌شناسان را مبنی بر استفاده بیشتر زنان از جملات پرسشی تأیید میکند.

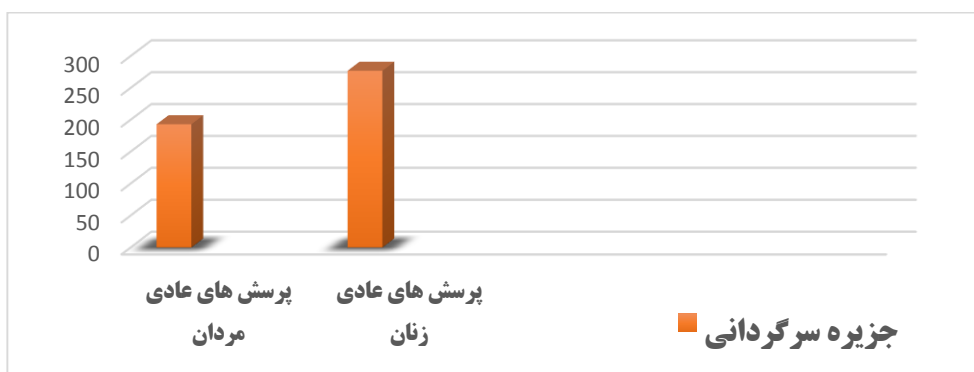
- کشور: «دخترت را شوهر میدهی؟» (دانشور، ۱۳۹۷: ۱۲)

- مهرماه: «حتی میزنی زیر شهادت بخت اولت؟» (همان، ۱۱۱)

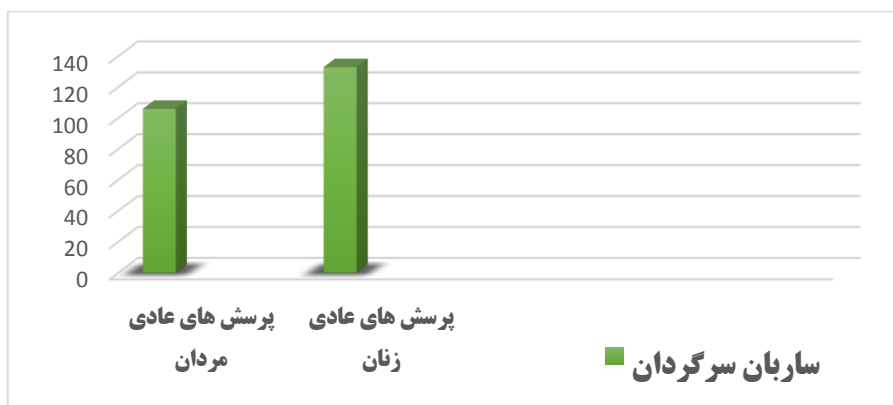
- مامان عشی: «صبر کن کارت دارم. چرا با من سرسنگینی؟» (همان، ۱۳۹)

- فاطمه سبزواری: «میگویند نومزدت را گرفته‌اند و همه لو رفته‌اند؟» (همان، ۲۳۶)

- سیمین: «چرا میخواهی من گریه کنم؟ چرا باید به شما درس زبونی و ضعف نفس بدهم؟» (همان، ۲۶۷)



نمودار: بسامد کاربرد پرسشهای عادی در بافت متنی رمان «جزیره سرگردانی» در گفتار مردان و زنان



نمودار: بسامد کاربرد پرسشهای عادی در بافت متنی رمان «ساربان سرگردان»

## کلام مشارکتی و رقابتی

### تصدیق‌گرها

تصدیق‌گرها (پاسخهای کوتاه) به عباراتی گفته میشود که دیدگاه مثبت شنونده را نسبت به گوینده، بیان میدارد. پیش از این نیز اشاره شد که زنان می‌آموزند چندان قاطعانه یا آمرانه سخن نگویند و در پاسخ به درخواستهای طرف مقابل کمتر عدم پذیرش دارند و از تصدیق‌گرها بیشتر از مردان استفاده میکنند. در این رمان، نویسنده تلاش دارد تا با توجه به هرکدام از شخصیتها و وضعیتی که در آن گرفتارند، نوع جمله‌های وی را تعیین کند. زنان در زندگی خود با چالش بیشتری مواجهند و سرگردانیهایشان در تصمیم‌گیری بیش از مردان است. از مجموع پنجاه‌وشش تصدیق‌گر موجود در رمان، سی‌وشش مورد متعلق به زنان معادل ۶۴ درصد و بیست مورد متعلق به مردان معادل ۳۶ درصد میباشد و قویاً با نظر لیکاف همسویی دارد.

- مامان عشی گفت: «پس چی؟» (دانشور، ۱۰، ۱۳۹۴)

- هستی: «البته.» (همان، ۴۱)

- هستی گفت: «یقیناً.» (همان، ۴۲)

- هستی: «بله.» (همان، ۴۲)

- سیمین: «ببر.» (همان، ۵۴)

- توران ان: «بله بله شما؟» (همان، ۱۰۵)

- عشرت: «آره خوب یادم است.» (همان، ۱۱۱)

- تورانجان: «چرا، یادم است.....» (همان، ۱۴۵)

لیکاف معتقد است تفاوت‌های زبانی زن و مرد انعکاس‌دهنده روابط فرهنگی جامعه است. پیش از این نیز اشاره شد که زنان می‌آموزند چندان قاطعانه یا آمرانه سخن نگویند و در بیان نظرات و عقاید خود دچار تردید هستند. بیشتر از جملات پرسشی استفاده میکنند.

کلام مشارکتی و رقابتی در «جزیره سرگردانی» از سوی زنان داستان بوفور، به کار گرفته شده است. کلام رقابتی غالباً از سوی شخصیت‌های زن بگونه‌ای بیان شده است که بازتاب‌دهنده عدم قطعیت کلام آنان است و در شواهد ارائه شده بخوبی نمود یافته است. در کلام رقابتی چندین پرسش در پی هم می‌آید - زیرا زنان داستان به دنبال ایجاد ارتباطند و اعتمادبنفس لازم در گفتگوهای خود را ندارند - در نتیجه به منظور اجتناب از ارائه جملات امری، از جملات رقابتی و مشارکتی بهره می‌گیرند. دانشور در این داستان چهل‌ونه بار از کلام مشارکتی بهره جسته است که از این میان زنان سی‌وشش بار و مردان سیزده بار، این متغیر را در کلام خود به کار گرفته‌اند.

- زن موفرری پرسید: «شما چرا سونا آمده‌اید؟ شما که هیکلتنان نقصی ندارد.» (دانشور، ۱۳۹۴، ۱۷)

- خانم فرخی: «عروسم را این دفعه خودم انتخاب میکنم. چیزی ندارد؟ چه بهتر.» (همان، ۱۹)

- هستی: «چرا کراوات نبسته؟ ناسلامتی اولین قدم خواستگاری را برداشته.» (همان، ۲۹)

- هستی: «باید مرا همانطور که هستم قبول کند. نمیخواهد؟ چه بهتر.» (همان، ۳۸)

- سیمین: «پس چطور وارد دانشگاه شدید؟ بدون کارت کسی را راه نمیدهند.» (همان، ۵۱)

- سیمین: «بعلاوه همه اینها به شما چه مربوط است؟ شما که گفتید ساواکی نیستید.» (همان، ۵۲)

- توران جان: «خوب زهرم را به که بریزم؟ به هر که دم دستم است.» (همان، ۱۵۵)

- حاجی معصومه: «چرا نیامدی آلونک خودم؟ اما امروز تریاک ندارم به حجرالأسودی که...» (همان، ۲۳۲)

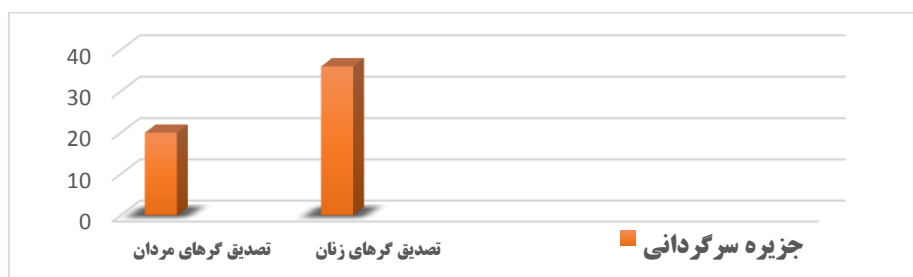
- هستی: «آخر چرا با مادر من؟ دوتا منشی ترگل و وورگل دارید.» (همان، ۲۴۹)

در رمان «ساربان سرگردان» زنان بیشتر از تصدیق‌گرها بهره جسته‌اند. هستی در «جزیره سرگردانی» مقابل سلیم مطیع بود و با استفاده از تصدیق‌گرها سعی داشت روابط عاطفی خود و سلیم را استمرار ببخشد. ولی در «ساربان سرگردان» در برابر سلیم مطیع محض نیست و گویی به بیداری و آگاهی رسیده است و در کل به لحاظ فکری و جهان‌بینی زنان تا حدودی از تردید و دوراهی، رهایی یافته‌اند؛ اما مع‌الوصف، کاربرد تصدیق‌گرها از سوی زنان، دارای بسامد بیشتری است. مجموعاً شصت‌وسه تصدیق‌گر به کار رفته است و سهم زنان سی‌وچهار بار معادل ۵۴ درصد و سهم مردان بیست‌ونه بار معادل ۴۶ درصد میباشد و بیانگر این است که نویسنده این مؤلفه زبانی را میشناسد و بدرستی به خدمت گرفته است.

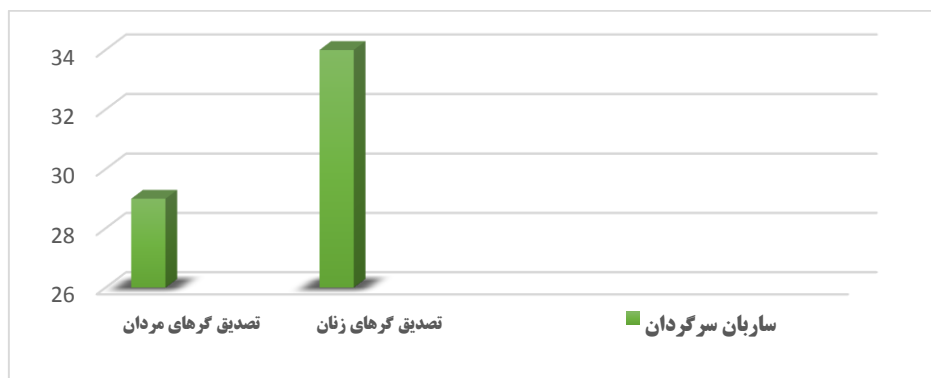
- فرخنده: «بله. مگر شما نمیدانستید؟» (همان، ۳۲)

- حاجی معصوم: «خو البته که یادمه.» (همان، ۳۴)

- هستی: «چرا خانم.» (همان، ۴۱)



نمودار: بسامد کاربرد تصدیق‌گرها در بافت متنی رمان «جزیره سرگردانی»



نمودار: بسامد کاربرد تصدیق‌گرها در بافت متنی رمان «ساربان سرگردان»

### کلام رقابتی

دانشور در این رمان نیز بسامد بیشتر برای زنان قائل شده است. از مجموع هفتادونه کلام رقابتی موجود در داستان، زنان با پنجاه و پنج مورد معادل ۷۰ درصد از مردان با بیست و چهار مورد معادل ۳۰ درصد پیشتاز هستند و شاهد فرودستی جایگاه زنان هستیم. در این داستان مطابق نظر لیکاف مردان سلطه‌گر و زنان مشارکت طلب میباشند.

- سیمین میپرسد: «دانشجوی ما که نیستید؟ هستید؟... پس آنچه تو و امثال به من یاد داده‌اید چی؟ خوانده‌ها و شنیده‌هایم چی؟» (دانشور، ۱۳۹۳، ۶۱)

- هستی گفت: «من آن طرف قضیه را نگاه میکنم: خود شاه و خانم همشیره، از تن دادن به چنان توطئه‌ها، رنج نکشیده‌اند؟ حتی یک آن؟ از توطئه‌های خودشان و اطاعت از توطئه بیگانگان؟» (همان، ۸۰)

- تورانجان: «مگر خدا مرا به صورت خود نیافریده؟ مگر نور خود را در دلم به ودیعه نگذاشته؟ این حرفها فقط برای سر کلاس خوب است؟.....» (همان، ۹۵)

- حاجی معصومه: «آقابک خوبه؟ خوشه؟ سرحاله؟ فردا می‌آید؟» (همان، ۲۳۲)

- سیمین: «چرا می‌خواهی من گریه کنم؟ چرا باید به شما درس زبونی و ضعف نفس بدهم؟» (همان، ۲۶۷)

- هستی؟ «داری چکار میکنی؟ خوابیده‌ای یا نشسته‌ای؟» (همان، ۲۹۵)

- مامان عشی: «کجا برایشان آپارتمان می‌خرید؟ آقای فرخی؟» (همان، ۳۱۵)

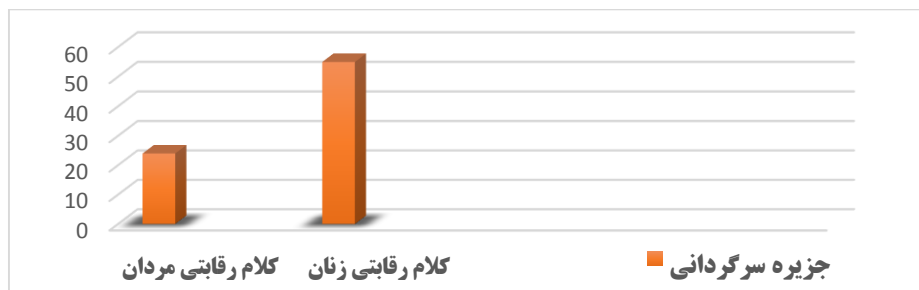
در رمان «ساربان سرگردان»، نود و چهار بار از کلام رقابتی استفاده شده است که چهل مورد را مردان معادل ۴۳ درصد و پنجاه و چهار مورد را زنان معادل ۵۷ درصد به کار برده‌اند و این آمار نشان از تطابق با نظریه لیکاف دارد که معتقد است زنان بیشتر از جملات پرسشی استفاده میکنند و در بیان اطلاعات و خواسته‌های خود، کمتر از مردان از جمله خبری بهره میگیرند؛ البته در این رمان برخلاف «جزیره سرگردانی» سؤالات زنان در جهت تردیدها و اضطرابهای درونی و سرگردانیهایشان نیست، بلکه آگاهانه است.

- حاجی معصومه: «بنازم قدش را. خوبه؟ خوشه؟ کم و کسری نداره؟» (دانشور، ۱۳۹۳، ۳۵)

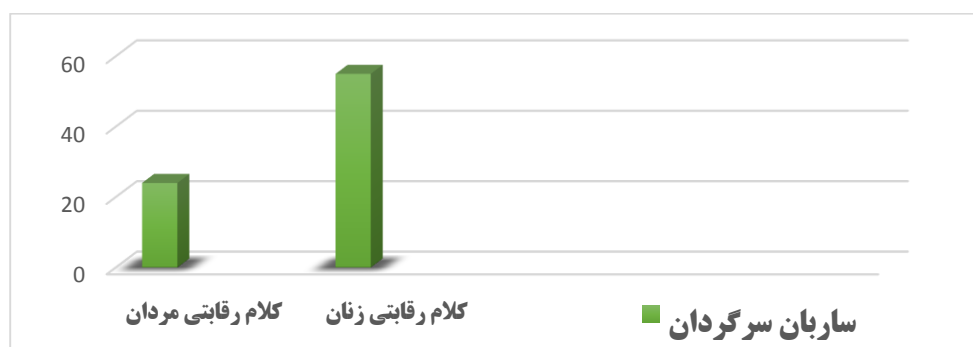
- هستی: «آیا سلیم زندانیها و حتی عمه خانم را خریده بود؟ حتی بازجو را؟ بازجویی که سرسری..... امید. امید اما چرا شماره گنجور؟ یعنی سلیم ترسیده شماره خودش را بدهد؟» (همان، ۵۷)

- فرخنده: «عده‌شان کم است؟ باشد. مگر فیدل کاسترو چند یار همراه داشت؟» (همان، ۷۱)





نمودار: بسامد کاربرد کلام رقابتی در بافت متنی رمان «جزیره سرگردانی»



نمودار: بسامد کاربرد کلام رقابتی در بافت متنی رمان «ساربان سرگردان»

### جملات تعجیبی و عاطفی

در مقابل خشونت واژگانی که ویژگی رفتار زبانی مردان در نظر گرفته میشود، زنان تمایلی به کاربرد اصطلاحات و عبارات تعجیبی و ندایی خاص دارند که از ویژگیهای شاخص رفتاری آنان محسوب میشود. (جان نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۹)

جملات و عبارات عاطفی تعجیبی را به دو گروه مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند: گروه اول آنهايي هستند که با جنس مؤنث گویشور و ویژگیهای بیولوژیکی او مرتبند؛ مثل «شیرمو حلالیت نمیکنم». گروه دوم اصطلاحاتی هستند که با جنس مؤنث گویشور ارتباطی ندارند. (نجفی عرب، ۱۳۹۴: ۴۱۳)

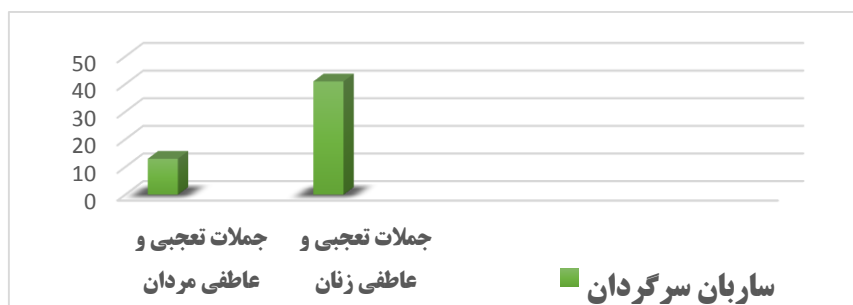
همچنین انواع تحسین، ابراز محبت و... را میتوان در شمار این جملات به حساب آورد. میتوان جملات و عبارات عاطفی را در دو بخش مورد بررسی قرار داد. بخش اول آنهايي هستند که مختص زنان است و با مختصات فیزیکی آنان ارتباط دارد. مثل: «شیرمو حلالیت نمیکنم» که در کلام مردان به چشم نمیخورد. بخش دوم اصطلاحاتی است که تنها در کلام زنانه وجود دارد؛ مانند: «اوا خدا مرگم بده».

در «جزیره سرگردانی» و «ساربان سرگردان» این جملات را زیاد میبینیم، زیرا شخصیتها در شرایطی روحی مختلف با توجه به وضعیت اجتماعی این جملات را به کار میگیرند. از میان نودوسه مورد مشاهده شده در این رمان، شصت و دو مورد معادل ۶۷ درصد به زنان و سی و یک مورد معادل ۳۳ درصد به مردان اختصاص یافته است که نظر لیکاف را تأیید میکند.

- مارشال ننه: «میرنجدها، نمیدانید چه بدلعاب است!» (همان، ۵۶)
- تورانجان: «بترکه چشم حسود، خودی و بیگانه.» (همان، ۸۲)
- حاجی معصومه: «قدت را بنازم هستی خانم.» (همان، ۱۹۲)
- هستی گفت: «کاش میشد. کاش میشد دردها را قسمت کرد.» (همان)
- مامان عشی: «تو دیگر در دهننت را بگذار!» (همان، ۲۵۳)
- تورانجان: «گنجعلی گاراژدار را باش. چه غلطهای زیادی!... نه خیر!» (همان، ۲۸۶)
- فرخی: «دست مریزاد، حقا که عروس دانایی پیدا کرده‌ای.» (همان، ۳۱۶)
- فاطمه سبزواری: «الهی همیشه بروی عروسی. الهی باقلاپلو...» (همان، ۳۱۷)
- در این رمان از لحاظ بسامد متغیر جمله‌های عاطفی و تعجبی، در مجموع پنجاه و چهار بار، چهل و یک مورد در کلام زنان معادل ۷۶ درصد و سیزده مورد معادل ۲۴ درصد در کلام مردان معادل دیده میشود. ارتباط عاطفی بین شخصیتها آگاهانه و صمیمانه است. نظر لیکاف و دیگر محققان حوزهٔ زبان‌شناسی که اعتقاد دارند زنان بیشتر از جملات عاطفی و تعجبی بهره میگیرند، اثبات میشود.
- خانم فرخی «عزیز. مادر بفدایت.» (دانشور، ۱۳۹۳: ۸)
- سکینه: «چشم‌بند را طوری بسته‌ام که فدایت شوم، بتوانید ببینید.» (همان، ۵۸)
- هستی: «ای سکینه نمک‌نشناس!» (همان، ۶۷)
- فرخنده: «زنداداش عزیزم. تو هنرمندی.» (همان، ۷۷)
- لعل: «چه خوب.» (همان، ۱۲۲)
- تورانجان: «خانم همسایه! - چه خانم خوبی! - .....» (همان، ۱۶۰)
- شهربانو: «شما را به خدا حالا نخوابید.» (همان)



نمودار: بسامد کاربرد جملات تعجبی و عاطفی در بافت متنی رمان «جزیرهٔ سرگردانی»



نمودار: بسامد کاربرد جملات تعجیبی و عاطفی در بافت متنی رمان «ساربان سرگردان»

### کاربرد جملات امری

به این نکته باید توجه داشت که مردان، سلطه‌طلب و در مکالمات در پی غلبه بر هم‌صحبت خود و نشان دادن برتری‌شان هستند؛ خود این امر باعث می‌شود آنان بیشتر از صورتهای آمرانه بهره گیرند؛ اما سازمان گروه‌های زنانه غیرسلسله‌مراتبی و مبتنی بر مشارکت و تشریک جمعی است، همچنین زنان در مکالمات در پی برقراری تعامل و ارتباط مثبت با دیگران هستند. این عوامل باعث شده است آنان بجای استفاده از دستورات مستقیم، بیشتر منظورشان را پیشنهاد دهند یا آن را بطور غیرمستقیم مطرح کنند. (نجفی‌عرب، ۱۳۹۴: ۳۹۹)

در نتیجه زبان مردانه قدرتمندانه و آمرانه است و زبان زنان غالباً نیازمند تأیید است. زنان به دنبال تعاملند، در نتیجه بیشتر منظور خود را بصورت پیشنهادی بیان میکنند. در داستانهای منتخب نیز غالباً از سوی مردان است که با جملات امری مواجهیم و این جملات از سوی زنان کمتر است.

### جملات امری تشدید

تشدیدکننده‌ها عباراتی مانند فقط، حتماً، هیچ، اصلاً، فقط، واقعاً، خیلی، حقیقتاً، صددرصد و... هستند که شدت و تأکید را به گفتار می‌افزایند. (نجفی‌عرب، ۱۳۹۴: ۲۶۰) لیکاف بر این باور است که زنان برای تأکید بر گفتار خود از آهنگ قویتر جملات و تشدیدکننده‌هایی مانند so, very, such استفاده میکنند. آنها در توصیف هر چیزی با شدت بیشتری عمل میکنند، اما مردان معمولاً به یک توصیف ساده و خنثی اکتفا میکنند. پوینتون (۱۹۸۹) نیز تأیید میکند که زنان در گفتار خود از تشدیدکننده‌های بیشتری نسبت به مردان استفاده میکنند.

دانشور در این رمان، دویست و دوازده بار از جملات امری تشدید استفاده کرده است. با توجه به نظریه لیکاف، باید برای مردان سهم بیشتر در نظر گرفته میشد تا سلطه‌جویی و قطعیت سخن آنان، عیان گردد اما میبینیم که نویسنده صدوده مورد معادل ۵۲ درصد را به زنان و صدودو مورد معادل ۴۸ درصد به مردان اختصاص داده است و با نظر لیکاف و دیگر پژوهشگران این حوزه، همخوانی ندارد.

- مامان عشی: «میبری، خوب برس میزنی، اطو میکنی و زود می‌آوری. فهمیدی؟» (همان، ۱۱)
- سیمین: «بگیر بنشین و سخت بگیر.» (همان، ۵۷)
- مهرماه: «دختر خاله، به آقای شغال پول بده یک شعر با ماده تاریخ بگوید و...» (همان)
- بیژن: «بگذار روی مخده وسط.» (همان، ۱۱۸)
- هستی: «همین جا پیاده‌ام کن.» (همان، ۱۳۷)

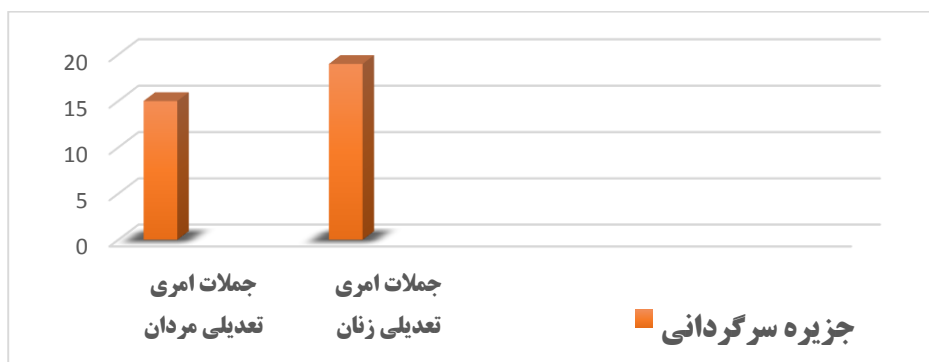
- مامان عشی: «صبر کن کارت دارم.» (همان، ۱۳۹)
- حسین: «آقا روی زمین بخوابید.» (همان، ۱۴۸) مهرماه: «شبها بگذار توی گوشهایت.....» (همان، ۱۵۴)
- پرستار: «حرفم را قبول کن.» (همان، ۲۱۸)
- تورانجان: «هستی، مادرا برو پیش سیمین خانمت، شب را هم همان جا بمان.» (همان، ۲۶۱)
- سیمین: «پاشو جانم، کنار بخاری بنشین.» (همان، ۲۶۳)
- دانشور در «ساریان سرگردان» نیز برخلاف نظریه لیکاف گام برداشته است و از مجموع صدویست‌وشش جمله امری تشدید، شصت‌وهفت مورد معادل ۵۳ درصد را به زنان و پنجاه‌ونه مورد معادل ۴۷ درصد به مردان اختصاص داده است و دیدگاه لیکاف با نتیجه حاصل از داده‌های این متغیر، همخوانی ندارد.
- هستی: «آقا نواز، بروید شام بخورید. هروقت زنگ زدم بیاید.» (همان، ۱۳۰)
- طوطک: «در ژرفا شیرجه بزن تا مروارید را به کف آری.» (همان، ۱۳۳)
- مادر: «آبجی که راحت شد. تو و شاهین هم باید بیاید.» (همان، ۲۳۲)
- تورانجان: «هستی! شاهین را هم بیدار کن بگو بیاید.» (ص ۲۳۴)
- خانم دکتر: «نفس عمیق بکش.» (همان، ۲۶۰)
- هستی: «مراد باز هم بگو. از ساریان بگو.» (همان، ۲۶۲)
- سیمین: «هستی! سری به جبهه بزن.» (همان، ۲۹۰)

#### جملات امری تعدیلی

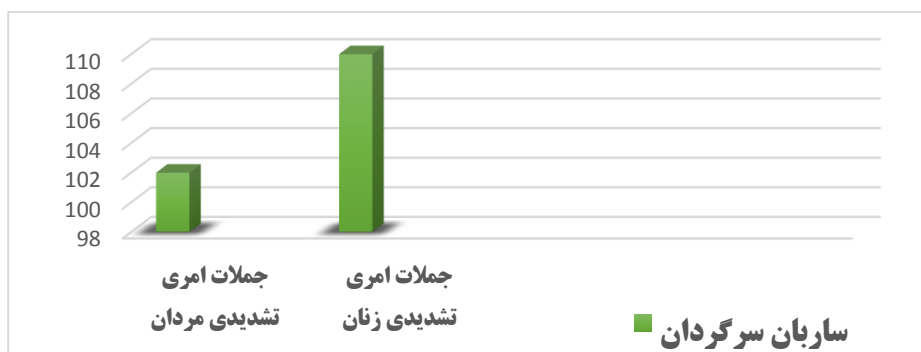
طبق بررسی‌های انجام‌شده، در این رمان دانشور، بیشتر شخصیت‌های مرد مؤدبانه صحبت میکنند و در خواست‌های خود را با استفاده از عبارات عاطفی مثل دخترم، عزیز و نور چشمم، مطرح میکنند و مردانی بی‌نزاکت هستند که یا عمال حکومتیند یا از مستشاران آمریکایی هستند. ولی با توجه به شواهد و قلم زنانه نویسنده، بسامد جملات امری تعدیلی در مجموع سی‌وچهار مورد، در گفتار زنان نوزده مورد معادل ۵۶ درصد و در گفتار مردان پانزده مورد معادل ۴۴ درصد میباشد. هر چند این متغیر زبانی در شخصیت‌های زن رمان بیشتر است و دیدگاه لیکاف را اثبات میکند، اما تعداد کم جملات امری تعدیلی نسبت به جملات امری تشدید در کلام زنان، قابل توجه است.

- هستی: «لطف کنید.» (همان، ۲۵)
- هستی: «مادر جان، کمی آرد نخودچی بزنید.» (همان، ۳۷)
- زن: «اگر ممکن است حلوا را در بشقاب دیگری بریزید.» (همان، ۵۵)
- سیمین: «..... لطفا در کار نقاشیت با عینک خودت ببین.» (همان، ۶۱)
- تورانجان: «یادت باشد در را محکم به هم بزن.» (همان، ۱۰۶)
- مامان عشی: «هرکس توانست مثل من بنشیند.» (همان، ۱۲۵)
- قدسی بلند گفت: «خانمها شیرینی میل بفرمایید.» (همان، ۱۵۷)
- در رمان «ساریان سرگردان» از مجموع شانزده مورد، زنان دوازده مورد معادل ۷۵ درصد و مردان چهار مورد معادل ۲۵ درصد را به کار برده‌اند و این یافته‌ها مبین تأیید نظریه لیکاف و دیگر زبانشناسان این حوزه است.
- مادر: «عزیز یکبار دیگر زنگ را بزن.» (همان، ۱۴)
- سلیم: «بله بفرمایید.» (همان، ۱۶)
- ویکی شکوهی: «بفرمایید تو با خاله قزی من آشنا بشوید تا من بروم چای دم کنم.» (همان، ۴۲)

- هستی: «حالا لطفاً آن عقدنامه را که با هم بستیم بدهید پاره کنم.» (همان، ۱۲۳)
- لعل: «لطفاً عقدنامه را هم با خود بیاورید.» (همان، ۱۲۲)
- هستی: «آقا نواز میشود بروید و روزنامه‌های کیهان و اطلاعات را برایم بخرید. صبر کنید بروم پول بیاورم.» (همان، ۱۲۹)



نمودار: بسامد کاربرد جملات امری تعدیلی در بافت متنی رمان «جزیره سرگردانی»



نمودار: بسامد کاربرد جملات امری تشدید در بافت متنی رمان «ساربان سرگردانی»

### نتیجه‌گیری

ساختار جمله‌ها و چیدمان واژه‌ها در هر اثر نماینده سبک دستوری و نحوی آن است که در پایان به شناخت و تبیین سبک نویسنده آن می‌انجامد. پژوهش حاضر به شیوه تحلیلی-تطبیقی تلاش میکند تا نشان دهد که سیمین دانشور بعنوان نویسنده‌ای که درباره زنان مینویسند، چگونه ساختارهای دستوری و نحوی نشاندار مختلف و متنوع را با ملاحظه بافت زبانی و موقعیتی در خدمت القای معنی و پیام موردنظر خویش قرار داده است؟ با توجه به این هدف، برخی ساختارهای نحوی نشاندار بر مبنای نظریه DSL بصورت تطبیقی تحلیل شده تا ضمن نشان دادن جزئیاتی از هنر زنانه‌نگاری این نویسنده در زمینه الگوها و ساختارهای نحوی، به شناخت شگردهای آنها در بازنمایی جایگاه اجتماعی زنان از طریق ساختارهای نحوی پی برده شود. در میان ساختارهای نشاندار نحوی، بیشتر بر «جلبایی اجزای جمله» و «تغییرات آرایش نحوی» تمرکز شده است. یافته‌های پژوهش نشان میدهد که این

نویسنده با خودآگاهی، برخی ساختهای نحوی را بطور معناداری در خدمت القای معنی و جلب توجه مخاطب قرار داده‌اند و فرضیه‌های مدنظر را بین لیکاف در زمینه تأثیر جایگاه اجتماعی زنان بر الگوهای گفتاری آنها را تأیید کرده‌اند. زبان فارسی برخلاف سایر زبانها از جمله انگلیسی، ظرفیت بالقوه بزرگی در زمینه الگوهای نحوی در اختیار کاربران این زبان در حوزه نظم و نثر قرار میدهد. در سالهای اخیر با رونق گرفتن مطالعات میان‌رشته‌ای بین «ادبیات و زبان‌شناسی»، مباحثی مانند «ادبیات مردانه»، «ادبیات زنانه» و «مردانه‌نویسی» و «زنانه‌نویسی» مدنظر پژوهشگران متعددی قرار گرفته که هرکدام از زاویه دید خاص خود به این مقوله نگریسته‌اند. اهمیت اصلی اینگونه مطالعات، توجه به رابطه بین «زبان» و «جنسیت» است. با توجه به اهمیت نوع ادبی «رمان» و بطور خاص «رمانهای زنان»، ضرورت مطالعه شاخصهای زبانی و بطور خاص مؤلفه‌های نحوی در ارتباط با مقوله جنسیت در این نوع ادبی، میتواند در مسیر مطالعات سبک‌شناسی ادبی آثار زنان راهگشا و مؤثر باشد.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل دستاورد رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است. خانم دکتر لطیفه سلامت باوایل راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. خانم رؤیا رحیمی نیز بعنوان پژوهشگر این رساله، در گردآوری داده‌ها و تنظیم نهایی متن نقش داشته است. جناب آقای دکتر احمد خیالی خطیبی نیز نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر و قدردانی خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و همچنین داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقای کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام کنند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این پژوهش در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمام نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این پژوهش طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCES

- Batani, Mohammad Reza (2015). Description of Persian grammar structure, Tehran: Amirkabir.
- Todorov, Tzutan (1377). Bakhtin's Dialogue Logic, translated by Dariush Karimi, Tehran: Markaz.
- Jurjani, Abdul Qahir (1984). Dalai al-Ijaz, suspension of Mahmoud Mohammad Shakir, Cairo: Al-Khanji School.

- Daneshvar, Simin (2001), Sarban Sarbandari, Tehran: Khwarazmi. 5. Daneshvar, Simin (2017), Wandering Island, Tehran: Kharazmi.
- Raskhmohand, Mohammad (2013). "Investigating the interaction of syntax and phonology in the construction of Persian information", Proceedings of the 6th Linguistics Conference of Allameh Tabataba'i University, 143-166.
- Seyed Qasim, Leila; Muezzin, Ruhollah (2013). "Examination of the similarities of Abdul Qahir Jarjani's theories in the pragmatics of language and Holliday's role-ism", Adab Pazhuhi, No. 28, 111-130.
- Shafii-Kadkani, Mohammad Reza (1379). Poetry music, Tehran: Age, 6th edition. ----- (2012) Resurrection of words, Tehran: Sokhn, first edition.
- Fatuhi, Mahmoud (2011). Stylistics (theories, approaches and methods), Tehran: Sokhn, first edition.
- Farshidord, Khosrow (2010). Synthesis and derivation in Persian language, by Mohammad Reza Shabani, Tehran: Zavvar.
- Lazar, Gilbert (2005). The formation of the Persian language, translated by Mehsti Bahraini, Tehran: Hermes and Center for the Dialogue of Civilizations.
- Mill, John Stewart (2016), Inferiority of Women, translated by N. Nourizadeh, Tehran: Qaseida-Sera Publishing House.
- Mahmoudi Bakhtiari, Behrouz and Dehghani, Maryam (2012), The relationship between language and gender in the contemporary Persian novel: a review of six novels, Women in Culture and Art, Volume 5, Volume 4: pp. 543-565.
- Mahmoudi Bakhtiari, Behrouz and Dehghani, Maryam (2012), The relationship between language and gender in the contemporary Persian novel: a review of six novels, Women in Culture and Art, Volume 5, Number 4: pp. 543-556.
- Mokhtari, Qasim and Derakhshan, Masoumeh (2014), "Comparative study of linguistic and intellectual style and analysis of gender language in the poems of Parvin Etisami and Nazq-ul-Malakeh", Comparative Literature Research Quarterly, Volume 5, Number 17: pp. 125- 105.
- Najafi, Abulhasan (2007). Basics of Linguistics, Tehran: Nilofar.

#### فهرست منابع فارسی

- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۵). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیرکبیر.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۷۷). منطق گفت‌وگویی باختین، ترجمه داریوش کریمی، تهران: مرکز.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۹۸۴). دلائل الاعجاز، تعلیق محمود محمد شاکر، قاهره: مکتبه الخانجی.
- دانشور، سیمین (۱۳۸۰)، ساریان سرگردانی، تهران: خوارزمی.
- دانشور، سیمین (۱۳۹۷)، جزیره سرگردانی، تهران: خوارزمی.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۳). «بررسی تعامل نحو و واج‌شناسی در ساخت اطلاق فارسی»، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۴۳-۱۶۶.
- سید قاسم، لیا؛ مؤذن، روح‌الله (۱۳۹۳). «بررسی همانندی‌های نظریات عبدالقاهر جرجانی در کاربردشناسی زبان و نقش‌گرایی هالییدی»، ادب پژوهی، شماره ۲۸، ۱۱۱-۱۳۰.

- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۹). موسیقی شعر، تهران: آگه، چاپ ششم.
- (۱۳۹۱) رستاخیز کلمات، تهران: سخن، چاپ اول.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱). سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، تهران: سخن، چاپ اول.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۹). ترکیب و اشتقاق در زبان فارسی، به کوشش محمدرضا شعبانی، تهران: زوار.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸۴). شکل‌گیری زبان فارسی، ترجمه مهستی بحرینی، تهران: هرمس و مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- میل، جان استوارت (۱۳۹۶)، فرودستی زنان، ترجمه ن. نوری‌زاده، تهران: انتشارات قصیده‌سرا.
- محمودی بختیاری، بهروز و دهقانی، مریم (۱۳۹۲)، رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر پارسی: بررسی شش رمان، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، ش ۴: صص ۵۴۳ - ۵۶۵.
- محمودی بختیاری، بهروز و دهقانی، مریم (۱۳۹۲)، رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی: بررسی شش رمان، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۴: صص ۵۴۳ - ۵۵۶.
- مختاری، قاسم و درخشان، معصومه (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی سبک زبانی و فکری و واکاوای زبان جنسیتی در اشعار پروین اعتصامی و نازک‌الملاتکه»، فصلنامه کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱۷: صص ۱۰۵ - ۱۲۵.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷). مبانی زبان‌شناسی، تهران: نیلوفر.

#### معرفی نویسندگان

**رویا رحیمی:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: [royarahimi301@yahoo.com](mailto:royarahimi301@yahoo.com))

**لطیفه سلامت باویل:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: (Email: [l-salamat@iauctb.ac.ir](mailto:l-salamat@iauctb.ac.ir))

**احمد خیالی خطیبی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: [khatibi@iauctb.ac.ir](mailto:khatibi@iauctb.ac.ir))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

**Roya Rahimi:** Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: [royarahimi301@yahoo.com](mailto:royarahimi301@yahoo.com))

**Latifeh Salamat Bavil:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: [l-salamat@iauctb.ac.ir](mailto:l-salamat@iauctb.ac.ir): Responsible author )

**Ahmad Khayali Khatibi:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: [khatibi@iauctb.ac.ir](mailto:khatibi@iauctb.ac.ir))